

حجت‌الاسلام والمسلمین واعظی تبیین کرد

۵ محور مهم و اولویت‌دار در پژوهش‌های دفتر تبلیغات اسلامی

<div><div> </div></div>	<div>رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۵ محور مهم و حائز اولویت در پژوهش‌های این مؤسسه حوزوی را تبیین کرد.</div>	<div><div> </div></div>
<div>حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی، عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم ^(ع) و رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در نشستی که با حضور محققان، پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد، تحلیلی پیرامون اولویت‌ها، ضرورت‌ها و محورهای دارای اولویت‌های پژوهش را تبیین کرد که در ذیل می‌خوانیم.</div>		

بحثی که عرض می‌کنم، تحلیلی مبنایی است و اگر این تحلیل مبنایی مورد پذیرش قرار گیرد، طبیعتاً جهت می‌دهد به کارهای پژوهشی‌ای که باید در مجموعه دفتر تبلیغات انجام دهم.

این تحلیل مبنایی مبتنی بر دو مقفده است:

- الف) وضعیت تاریخی، اجتماعی معاصر**

مقدمه اول اینکه، وضعیت تاریخی، اجتماعی معاصری که در سطح جهانی در آن به‌سر می‌یریم، اگر بخواهیم نگاه عمیقی به آن داشته باشیم، وضعیت چنین است که حرکت در سطح خُرد و در سطح فردی، حرکت به‌سمت تقویت تمایزگرایی است؛ یعنی آنچه در سطح خُرد و حوزه فردی در جهان می‌گذرد، شدّت بخشیدن به فردگرایی، هویت‌گرایی فردی و تقویت تمایزگرایی فردی، میدان دادن و گشوده بودن به اینکه افراد آزادانه انتخاب‌گری فردی داشته باشند، هم هویت فردی خودشان را تعریف کنند و هم هویت فردی خودشان را آن‌گونه که می‌خواهند، متمایز از دیگران به‌منصفه ظهور برسانند. به‌سبب این رویکرد است که سیاست‌گذاری کلان فرهنگی در جوامع غربی به سمت لیبرالیسم فرهنگی و کاهش دخالت‌ها در حریم فردی و رهاسازی زیست‌بوم فضای مجازی جهت کنشگری لذت‌گرایانه فردی است.

اقا در سطح کلان، عکس آن است. در واقع آنچه شاهدش هستیم، حرکت به‌سمت تمایززدایی و هم‌گرایی، حرکت به‌سمت هضم و نفی و از بین‌بردن هویت‌های جمعی و تمایزهای ملی و قومی و ایدئولوژیک است؛ از همین‌رو حرکت دادن کلان جامعه بشری به‌سمت نظامی جهانی و اعتنا و التزام به هنجارهای مشترک و عام اقتصادی، حقوقی و… است. در واقع مدنیت غربی به‌پشتوانه‌های نظری مدنیت غربی، به سمت جهانی‌سازی و تثبیت نظم مشترک جهانی در حوزه اقتصاد، سیاست، حقوق و روابط بین‌الملل حرکت می‌کند.

در این حرکت تثبیتی، به سمت یک‌ناوخت‌سازی فرهنگ‌ها و هویت‌های جمعی یابفی تمایزگرایی در جوامع غیر همسو با غرب و اقبال به تمایززدایی در آن، هرچه به‌طرف جلو می‌رویم، نقش‌آفرینی دولت‌ها کمتر می‌شود و نقش‌آفرینی بنگاه‌های عظیم اقتصادی بیشتر می‌شود. ما وقتی کلان نگاه می‌کنیم، حرکت به تمایززدایی و تثبیت یک نظم جهانی، این حرکت فقط به‌سمت رنگ‌باختن اموری مثل هویت‌های ملی و قومی و ایدئولوژیک نیست؛ حتی نقش دولت در حال ضعیف‌شدن است. این فرایند جهانی‌سازی و نقش‌آفرینی دولت‌ها در چارچوب مرزهای شناخته‌شده هم، آرام‌آرام کم‌رنگ می‌شود و کانون‌های عظیم اقتصادی با کمک فناوری‌های جدید، تأثیرگذاری‌شان را در مناسبات اجتماعی و اقتصادی و جهانی مدام پرتنگ‌تر می‌کنند. البته لازم به ذکر است که در جهت‌گیری کلان نسبت به تحکیم و تثبت هژمونی معنایی غرب و شالوده‌گفتمانی این حرکت یکسان‌سازی و تمایززدایی میان دولت‌های غربی و این نقش‌آفرین‌های نوپدید کمال همسویی وجود دارد و اختلاف جدی وجود ندارد.

هرکدام از این گزاره‌هایی که عرض می‌کنم، بحث‌ها و مصداق‌های زیادی ذیل آن هست؛ اینکه حرکت به چه سمتی است و چه اتفاق‌هایی در سطح کلان دارد می‌افتد. در این حرکت در سطح کلان که تمایززدایی، حرکت

به‌سمت نظمی جهانی و به کرسی‌نشاندن یک‌سری هنجارهای مشترک و عام در سطح جهانی است، البته مقاومت‌هایی همیشه چه از ناحیه برخی دولت‌ها و چه از ناحیه جریان‌ها صورت می‌گیرد. این حجم مقاومت در مقابل آن حجم توفنده پرقدرتی که می‌خواهد جهانی‌سازی و بست گفتمانی و معنایی غرب را تثبیت کند، تقریباً تقارن و توازن وجود ندارد.



- ب) ناهمگونی انقلاب اسلامی در گفتمان معنایی با جریان جهانی در تمایزگرایی**

مقدمه دوم اینکه، انقلاب اسلامی در ماهیت و گفتمان معنایی خودش، یک حرکت و جریان تمایزگراست و می‌خواهد هویت متمایزی را به‌منصفه ظهور برساند؛ یعنی انقلاب اسلامی در جوهر و ذات خودش و گفتمان معنایی انقلاب اسلامی، نسبت به جریان تمایززدایی و تثبیت نظم جهانی واحد، ناساز، ناکوک و واگراست. گفتمان انقلاب اسلامی، به‌سبب تأکید بر اموری مثل استقلال، نفی سلطه کفار بر مسلمانان، مسأله عدالت‌خواهی، تعهد به مرجعیت دین در شئون فردی و اجتماعی و التزام به درون‌مایه دینی در حیات فردی و اجتماعی که اساس گفتمان انقلاب اسلامی است، هویت و پدیده‌ای را مطرح کرد که این پدیده به‌شدت تمایزگراست. در واقع می‌خواهد یک هویت جمعی و اجتماعی متمایزی نسبت به آنچه در مدنیت معاصر غربی می‌گذرد، به‌منصفه ظهور برساند. منظور از مدنیت معاصر غربی، غرب جغرافیایی نیست؛ بلکه منظور ما غرب تمدنی و معنایی است؛ یعنی هر جایی در سراسر جهان که گفتمان معنایی غرب پذیرفته شود و بنیان حیات فردی و اجتماعی قرار بگیرد، نسبت به جریان انقلاب اسلامی و هویت این انقلاب در تمایز قرار می‌گیرد.

دووجهی بودن تمایزگرایی هویتی و گفتمان معنایی انقلاب اسلامی

تمام هویت انقلاب اسلامی و گفتمان معنایی انقلاب اسلامی، تمایزگراست و می‌خواهد امری متمایز و خاص و به‌اصطلاح، هویت جمعی متفاوتی را به منصفه ظهور برساند. این تمایزگرایی، هم وجه سلبی دارد و هم وجه ایجابی.

هویت انقلاب اسلامی و گفتمان معنایی انقلاب اسلامی را نباید فقط به وجه سلبی آن فروکاست و چنین تعریف کرد که یک جریان، هویت و گفتمان معنایی آمده است که فقط ستیزه‌گر باشد با آن جریان مسلط و غالب؛ نیامده است که صرفاً تقابل و جانب سلبی خودش را برجسته کند. در حقیقت این پدیده انقلاب اسلامی و گفتمان معنایی آن، وجه ایجابی پررنگی دارد و می‌خواهد، نظم و هویت اجتماعی خاصی را بنا کند. پدیده انقلاب

اسلامی و گفتمان معنایی آن، فقط نمی‌خواهد یک تمایز، ستیزه‌گری و واگرایی را نسبت به این جریان غالب مستمد و برآمده از مدرنیته را بروز دهد؛ بلکه می‌خواهد طرحی نو درافکند و یک هویت جمعی و اجتماعی جدیدی را به‌منصفه ظهور برساند.

پنج محور مهم و حائز اولویت در پژوهش‌های دفتر تبلیغات

جلسه ما چون راجع به پژوهش است، من سعی می‌کنم با توجه به این دو مقدمه و این پرسش، به این سؤال پاسخ دهم که اولویت‌ها، زمینه‌های کاری حائز اولویت پژوهش را واقع در تحلیلی که ارائه کردم، چه می‌تواند باشد؟ در اینجا خیلی گزاره‌وار برخی از محورهای حائز اولویت را بیان می‌کنم.

- ۱. تنقیح، تثبیت و صیانت از مؤلفه‌های گفتمان معنایی انقلاب اسلامی**

به نظر من، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های پژوهشی نهاد دفتر تبلیغات (وقتی می‌گوییم پژوهش، یعنی آن وجه دانشی دفتر تبلیغات؛ چه معاونت آموزشی باشد، چه مؤسسه امام رضا ^(ع) باشد، چه دانشگاه باقرالعلوم ^(ع) باشد، چه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی باشد و چه شعب ما باشد، فرقی نمی‌کند)، یعنی هر جاکه وجه دانشی و ظرفیت علمی دفتر تبلیغات دیده می‌شود، یکی از ضرورت‌ها، تنقیح، تثبیت و صیانت از مؤلفه‌های گفتمان معنایی انقلاب اسلامی است.

چالش ما، یعنی جریان انقلاب اسلامی، با جریان مسلط مدنیت معاصر غرب و آن جریانی که به‌دنبال تمایززدایی و هضم تمایزه در عالم و تثبیت یک نظم جهانی واحد است، مبتنی بر مبانی اندیشه و فکری خودش، یک چالش گفتمانی است؛ نه چالش در منافع سطحی و روبنایی. وقتی این چالش، چالشی گفتمانی بود و شما می‌خواستید به‌عنوان یک گفتمان معنایی قدرتمند در مقابل گفتمان جالش ما، یعنی جریان انقلاب اسلامی، با جریان مسلط مدنیت معاصر غرب و آن جریانی که به‌دنبال تمایززدایی و هضم تمایزه در عالم و تثبیت یک نظم جهانی واحد است، مبتنی بر مبانی اندیشه و فکری خودش، یک چالش گفتمانی است؛ نه چالش در منافع سطحی و روبنایی. وقتی این چالش، چالشی گفتمانی بود و شما می‌خواستید به‌عنوان یک گفتمان معنایی قدرتمند در مقابل گفتمان جالش ما، یعنی جریان انقلاب اسلامی، با جریان مسلط

این یک پوشش مقطعی نیست که «پراتنزاز، پراترنیسته باشد» و مثلاً مذت پنج‌سال به آن اختصاص دهم و به نتایج مطلوب برسیم. این چالش، چون چالش مستمری است، پوشش علمی متناسب با این چالش هم، باید پوششی مستمر و دائمی باشد. بخشی از ظرفیت علمی ما باید معطوف به تنقیح گفتمان معنایی واقعی اسلامی و بارورکردنش باشد و اینکه با شهادت و اعتماد به‌نفس، بتواند در مقابل هجمه گفتمانی رقیب قد علم کرده و ایفای نقش کند.

- ۲. مراقبت از رؤیاپردازی و تصویرگری آینده مردم**

بحث دومی که می‌خواهم مطرح کنم، بحث خیلی مهمی است و جلسه مفصلی می‌خواهد. این جلسه هم چون همه اهل فضل و تحقیق هستند، من به اشاره اکتفا می‌کنم.

اگر تاریخ چند سده گذشته را مرور کنیم، منشأ بسیاری از اتفاق‌های بزرگی که در دنیا افتاد، رؤیاپردازی، آرمان‌خواهی و تصویرگری مثبتی از آینده بود. درواقع اگر مدرنیته اتفاق افتاد و اگر تحولاتی در غرب، چه در حوزه فناوری و تکنولوژی و علم، چه در حوزه تغییرات بنیادی در نظامات



ساختمان دفتر تبلیغات اسلامی، تهران

مدنی و… اتفاق افتاد، همه به‌خاطر رؤیاپردازی‌هایی بود که در قرن شانزدهم و هفدهم شکل گرفت. رؤیای اینکه به‌مدد تسخیر طبیعت و کشف قانون‌مندی‌های طبیعت، صلح و آرامش و رفاه ایجاد می‌شود، این رؤیای مدرنیته، اُس و اساس خیلی از کشورها مثل آمریکا شد. رؤیای آمریکایی رؤیای موفقیت است؛ چون اساس رؤیای آمریکایی، مسأله موفقیت، چه موفقیت مادی و چه کسب افتخار است. در اروپا هم همین‌طور است و سبک‌های دیگری دارد. همه این‌ها قابل بحث است؛ اینکه اصلاً سائق شکوفایی تکنولوژیک چیست و آن رؤیاها چه بوده است؟ در واقع این رؤیاپردازی و تصویرگری از آینده است که پوشش‌ها، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها، تحمّل رنج‌ها و کوشش‌های عظیمی را بسترسازی می‌کند. تا وقتی انسان رؤیاپردازی و تصویرگری از آینده نداشته باشد، نمی‌تواند با امید و اعتماد به‌نفس تلاش و کوشش کند.

در انقلاب اسلامی هم، پیشقراولان این انقلاب، یعنی امام خمینی ^(ع) و یاران صدیق امام توانستند، برای جامعه ایران رؤیاپردازی، تصویرگری و آرمان‌پروری کنند. پیر و جوان به این رؤیای برآمده از انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی باورمند بودند که این‌گونه جان دادند و شهادت‌طلب شدند، به میدان آمدند و انقلاب را به پیروزی رساندند. بعد از انقلاب نیز، در مقابل این‌همه فتنه و هجمه که یک مورد آن، جنگ تحمیلی بود، این‌گونه استوار ایستادند و مقاومت کردند. تمام این فتنه‌ها را خواباندند و نظام را تثبیت کردند.

این رؤیا، رؤیای برآمده از انقلاب اسلامی است و آینده‌نگری و تصویرگری آینده با توجه مسأله امیدآفرینی برای نسل‌های جدید، ضمن در نظرگرفتن چالش‌ها و موانع انقلاب اسلامی، یک وظیفه جدی و قابل تأمل است.

نسل‌های جدید که حس تعلق‌شان به کشور و نظام، مقاومت‌شان در برابر مشکلات و مسائل شبیه نسل‌های اول نیست، برای ایجاد انواع و اقسام پوشش‌های موردنیاز برای رشد و شکوفایی جامعه و تحقق آن تمایزگرایی که گفته شد، همین‌طور عینیت‌بخشیدن به یک جامعه مطلوب اسلامی، نیازمند به رؤیاپردازی و تصویرگری آینده و آینده‌پوهی مستمر است.

شما خیال نکنید که اگر توفیق خیلی بالایی در دهه اول انقلاب درخصوص تصفیات، رؤیاپردازی نسبت به آینده جامعه ایران اتفاق افتاد، کاملاً تثبیت شده و دیگر برای همیشه وجود دارد. همان‌طور که خود گفتمان انقلاب اسلامی، به مراقبت در مقابل چالش‌ها نیاز دارد، این آینده‌نگری امیدبخش و تصویرگری و رؤیاپردازی نسبت به آینده جامعه ایران هم، احتیاج به مراقبت و صیانت دارد. همان‌گونه که شما متعهدان به انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی، لدوسوز جامعه هستید و باید برای جامعه تلاش کنید که تصویرگری مناسبی برای آینده در اذهان نسل‌های جدید به وجود آید، بدانید و آگاه باشید که افراد و کانون‌های دیگری هم هستند که سعی می‌کنند، رؤیای دیگری را به‌جای رؤیای جوانان ایرانی قرار دهند و تصویرگری بسیار ستمی و ناامیدکننده‌ای را برای جامعه ما ترسیم کنند. به‌نظر من، جان کلام بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری، همین تصویرگری است و اگر کسی به من بگوید، بیانیه گام دوم با چه غرض و هدفی صادر شد، می‌گویم هدفش رؤیاپردازی و تصویرگری و آرمان‌سازی

برای جامعه امروز ایران است.

مسأله آرمان‌سازی، تصویرگری و رؤیاپردازی مثبت برای یوایی یک جامعه، کاری نیست که فقط لبه پژوهشی داشته باشد؛ بلکه لبه رسانه‌ای، تبلیغی و اقناعی هم دارد. البته بار پژوهشی این تصویرگری برعهده پژوهشگرهای عمیقی است؛ مخصوصاً در حوزه مطالعات اجتماعی که بتوانند، ضعف‌های جامعه و آن نقاط تضعیف‌کننده امید به آینده را در نسل‌های مادرک و واکاوی کنند و الگوهای رفتاری و تربیتی مناسبی جهت حفظ و صیانت از مسأله تصویرگری آینده براساس انقلاب ارائه دهند. الگوهایی که قدرت اغنایی به ما بدهد و بتواند، برای نسل‌های جوان‌مان درخصوص تعهد براساس گفتمان انقلاب اسلامی و تصویر صحیح و حرکت‌آفرینی از آینده در ذهن و جان‌شان ترسیم کند، به پژوهش نیاز دارد. درحقیقت دست‌یابی به این الگوها، درک عمیق از وضعیت کنونی جامعه، شناخت عوامل و عناصری که می‌تواند این رؤیا و تصویرگری مثبت را مخدوش و به ناامیدی نسبت به آینده و وادادگی نسبت به آن جریانی تبدیل کند که می‌خواهد تمایززدایی کرده و نظم جهانی خودش را تثبیت کند، همین‌طور شناخت تمام راه‌های مقابله با روایت‌گری‌های مخرب از آینده کشور، به مطالعات پژوهشی نیازمند است.

- ۳. ایفای نقش**

در فرایند حکمرانی کشور در عرصه‌های مختلف

رسالت پژوهشی دیگر براساس همین مبنای تحلیلی که بیان شد، ایفای نقش در فرایند حکمرانی کشور در عرصه‌های مختلف، بر محور اصول و ارزش‌های اسلامی است. مگر ما می‌توانیم بگوییم یک نهاد متعهد نسبت به آرمان انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی هستیم؛ اما خودمان را برکنار بداریم؛ به‌لحاظ پژوهشی و محتوای دانشی نسبت به نیازهای نظام و جامعه در امر حکمرانی، چه در ساحت سیاست‌گذاری باشد، چه در ساحت تنظیم‌گری و چه در ساحت سهیل‌گری‌اش. در هر ساحتی که به‌نوعی بتوانیم، باید براساس ظرفیت علمی خودمان نقش‌آفرین باشیم. مگر می‌توانیم خودمان را برکنار بداریم و در عین حال، دغدغه انقلاب اسلامی و توفیق گفتمان انقلاب اسلامی را هم داشته باشیم؟

این‌ها برای ما رسالت و وظیفه درست می‌کند و برای همین نیز ما در کلان دفتر تبلیغات، راهبردی اصلی خودمان را امتداد مسئله‌محوری در چرخه حکمرانی قرار دادیم؛ هم اینکه سعی بلیغی داریم و از مدیران ارشد خودمان در بخش‌های دانشی، چه در حوزه آموزش و چه در حوزه پژوهش می‌خواهیم، سمت‌وسوی پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها را به‌سمتی ببرند که گرهی از مقوله حکمرانی در کشور باز کند و تحقیقات حتی‌المقدور لیه راهبردی و خروجی مؤثری داشته باشد. این بحث، بحث خیلی مفصلی است و خودش می‌تواند محور یک سخنرانی باشد و ابعاد این مسأله را باز کنیم.

- ۴. علوم انسانی متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی**

مسأله و اولویت بعدی، مسأله علوم انسانی متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی است. یکی از ارکان رَکبن مدنیت معاصر غربی و سامانه‌ای که می‌خواهد نظم جهانی خودش را حاکم و مستقر کند، علوم انسانی است و در آنجا متناسب با این جهت‌گیری‌ها و هدف‌گذاری‌ها دارد تولید می‌شود. اگر ما بخواهیم این تمایزگرایی خودمان را بروز و ظهور دهیم و به وجه ایجابی مستقر کنیم و نظام و جامعه‌ای اسلامی داشته باشیم، ناچار هستیم، علوم انسانی بومی، متناسب با رفق نیازها و حل مشکلات خودمان در چهارچوب پارادایم انقلاب اسلامی داشته باشیم.

یکی از نقاط ضعف جدی ما، کم‌کاری در این جهت است. من نمی‌گویم طی این چهاردهه، در حوزه علوم انسانی، اسلامی تلاش‌هایی نشده؛ اما تلاش‌ها معطوف به زمینه‌هایی بوده که کمتر به‌سمت نظریه‌پردازی و تولید دانشی رفته است که بتواند، مسأله‌ها را حل کند و الگویی عملی در عرصه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دیگر جنبه‌ها ارائه دهد. ما کار زیادی در حوزه علوم انسانی متناسب با اقتضانات گفتمان انقلاب اسلامی در پیش داریم!

- ۵. مطالعات اجتماعی**

معطوف به کاهش شکاف‌های اجتماعی

محور دیگری که میدان بحث و صحبت گسترده‌ای دارد و جلسه‌ای مفصل می‌خواهد، این است که ما احتیاج داریم مطالعات اجتماعی‌مان، معطوف به کاهش شکاف‌های اجتماعی شوند. ما الآن از شکاف‌های اجتماعی متعددی در رنج هستیم. من در مصاحبه‌ام با شفقنا، توضیحاتی راجع به این شکاف‌های اجتماعی که الآن با آن روبه‌رو هستیم، دادم و مباحثی را مطرح کردم. آنچه اکنون در دنیا، مخصوصاً در حوزه فناوری‌های نو می‌گذرد، چه در مسأله هوش مصنوعی و چه در مسأله واقعیت افزوده virtual reality، چه در حوزه مباحثی که در متاورس به‌دنبال آن هستند و چه اینکه افراد به‌مدد تکنولوژی بتوانند، حتی تماس‌های حسی برقرار کرده و زیست کاملاً مجازی متفاوتی را از زیست فیزیکیال تجربه کنند. می‌دانید این‌گونه تحولات فناوریانه چه پیامدهای فرهنگی و اجتماعی عمیقی را در پی دارد! شناخت این فضای آینده به‌لحاظ اجتماعی و پیامدهای اخلاقی، سیاسی و دیگر پیامدهای آن، نیازمند مطالعات اجتماعی است. در واقع مطالعات اجتماعی ما باید غیر از اینکه وضع موجود را خوب و عمیق مطالعه می‌کند، نگاهی هم به آینده، مخصوصاً پیامدهای این فناوری‌های نو ظهور داشته باشد.



در مقام اجرا در دوره‌های قبل شاهد بودیم، به‌عنوان حاکم مطرح نبود؛ زیرا قتها حاکم جامعه نبودند. وی اظهار کرد: در حال حاضر در حال تولید مسائل فقه نظام هستیم و بحث بعدی که پیش روی ماست و مؤسست مختلفی روی این مسأله کار می‌کنند، مسأله فقه حکمرانی است. پس از تکمیل این مراحل، جامعه اسلامی شکل می‌گیرد و الگویی برای جوامع دیگر می‌شود.

استاد حوزه علمیه قم مطرح کرد

هوشمندی خارق العاده حاج شیخ برای حفظ حوزه علمیه قم

استاد حوزه علمیه قم مطرح کرد

به مسائل نظام پرداخته شد که شامل احزاب و مشارکت و شکل سیاسی حکومت بود. نظام پرداخت هماهنگ و حقوق شهروندی و مردم‌سالاری دینی و…، از جمله مباحثی بود که نظام برای اداره بهتر جامعه، به حل آن از سوی علمای حوزه نیاز داشت. مباحث سیاست خارجی پیش از انقلاب اسلامی در عرصه فقهی مطرح نبود؛ حتی نظم نظام بین‌الملل نیز از مباحث جدی بود که حوزه علمیه به آن پاسخ داده است. مسائل مرتبط به فقه امنیت، از جمله مسائل مهمی بود که مورد نیاز نظام بود و حوزه به آن ورود جدی کرده است.

وی گفت: پس از آنکه نظام اسلامی شکل گرفت و احکام آن نیز به‌شکل تدریجی استخراج می‌شود، برای اجرای این احکام، نیازمند فقه حکمرانی هستیم. پس از استخراج این احکام، باید شکل اجرایی آن را نیز مشخص می‌کردیم. آنچه

شاهد ورود جدی حوزه در عرصه مداخلات اجتماعی و سیاسی هستیم.

این استاد حوزه علمیه قم گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی می‌رسیم که باید ساختار نظام اسلامی شکل بگیرد که این مسأله نیز در پی رفت و برگشت‌های جدی فقهی بزرگان حوزه، شکل گرفته است. وی افزود: مرحله سوم، مرحله دولت اسلامی است. همین دوره سوم را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. اوایل انقلاب نیز به این بحث پرداخته شد و علمای بزرگی روی این مسأله فعالیت علمی داشتند؛ اصل نظام اسلامی و ولایت فقیه و کلیات و صفات حکام، در این مباحث مورد توجه قرار گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین اسلامیان یادآور شد: دوره دوم، حل مسائل سیاسی با فقه نظام بود که از دهه هفتاد

استاد حوزه به ذکر مباحثی پیرامون تلاش‌های گسترده و ذکاوت و هوشمندی فوق‌العاده مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری برای حفظ حوزه علمیه قم پرداخت. به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین اسلامیان، در نشست علمی «تطور فقه در یکصدسالگی حوزه علمیه قم»، گفت: حضرت امام ^(ع) نقل بسیار جالبی در این حوزه دارند که [باز آتاسیس حوزه علمیه در قم، دست کمی از شکل‌گیری انقلاب اسلامی نداشت. وی افزود: شکل‌گیری حوزه علمیه قم، یک اتفاق سیاسی بوده است که علیه سیاست رضاخانی بود. ورود به مسائل سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری ^(ع) به دلایل خاص چندان زیاد نبوده است. ایشان در حوزه فقهی مباحثی دارند؛ ولی در عرصه سیاسی ورود شاخصی ندارند.

این استاد حوزه علمیه قم بیان کرد: [باز آتاسیس حوزه علمیه در قم، کار بسیار سختی بود؛ ولی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، این کار سخت را انجام داد. از رضاشاه نیز نقل شده است که منتظر کوچک‌ترین موضع یا سخنی از مرحوم حائری بود تا حوزه علمیه قم را تعطیل کند.